

بررسی الگوهای رایج در شکل‌گیری جوک در زبان فارسی بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی

وحید طاویلی^۱، شهرام مدرس خیابانی^{۲*}، بهرام مدرسی^۳، فریده محسنی هنجانی^۴

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

۲. استادیار آموزش و مترجمی زبان انگلیسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

۳. استادیار زبان‌شناسی همگانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

۴. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰

A Study on the Most Frequent Patterns in Forming Persian Jokes Based on General Theory of Verbal Humour

Vahid Tavoli¹, Shahram Modarres Khiabani^{2*}, Bahram Modarresi³, Faride Mohseni Hanjani⁴

1. Ph.D. Candidate in General Linguistics, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of English Language Teaching and Translation, Karaj Branch, Islamic Azad University, Iran

3. Assistant Professor of General Linguistics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

4. Assistant Professor of Persian Language and Literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Iran

Received: 2021/11/21 Accepted: 2022/04/09

10.30473/jl.2023.61869.1498

Abstract

In the current research, an attempt has been made to investigate and analyze the content of the joke using the General Theory of Verbal Humour (GTVH) by Attardo (2020). The data of the present study includes over 400 jokes which were collected from the virtual networks and messaging applications such as Telegram and Whatsapp in a period of three months. Primarily, descriptive analysis has been applied over the collected data; then, content analysis has been run through SPSS software. Furthermore, in order to evaluate the significance of research variables, Pearson Chi-squared test was used, and Cramér's test was used to check the correlation of between variables. The purpose of this study was to identify the most frequent patterns to make Persian jokes as well as to determine the best pattern based on laughter-inducing effects. After analyzing the data, three common patterns were identified, and after preparing a questionnaire including 30 jokes taken from each of the mentioned patterns and the participation of 125 people with various social variables such as education level, age and gender, the best pattern was identified based on laughter-inducing impact.

Keywords: Humour, General Theory of Verbal Humour, Script Opposition, Logical Mechanism, Semantic Script, Social Network, Sociolinguistics.

چکیده

در پژوهش حاضر سعی بر آن بوده است تا با استفاده از نظریه عمومی طنز کلامی آتاردو (۲۰۲۰)، به بررسی و تحلیل درون‌مایه جوک پرداخته شود. داده‌های پژوهش حاضر شامل ۴۰۰ جوک است که در یک بازه سه ماهه از شبکه‌های مجازی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان مانند تلگرام و واتس‌آپ جمع‌آوری شده است. تحلیل داده به صورت توصیفی و تحلیل محتوا با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. علاوه بر این به منظور ارزیابی معناداری متغیرهای پژوهش از آزمون خی‌دوی پیرسون و برای بررسی شدت ارتباط بین متغیرها از آزمون کرمر استفاده شده است. آنچه در این پژوهش مطرح می‌شود شناسایی الگوهای رایج در ساخت جوک‌های زبان فارسی و تعیین الگوی برتر براساس میزان خنده‌داری است. پس از تحلیل داده‌های پژوهش سه الگوی رایج شناسایی شد و پس از تهیه پرسشنامه شامل ۳۰ جوک برگرفته از هر یک از الگوهای مذکور و مشارکت ۱۲۵ نفر با متغیرهای اجتماعی گوناگون از قبیل میزان تحصیلات، سن و جنسیت، الگوی برتر بر اساس معیار میزان خنده‌داری شناسایی شد.

کلیدواژه‌ها: طنز، نظریه عمومی طنز کلامی، تقابل انگاره، سازوکار منطقی، انگاره معنایی، شبکه اجتماعی، زبان‌شناسی اجتماعی.

*Corresponding Author: Shahram Modarres Khiabani

Email: shahram.modarres@Kiau.ac.ir

* نویسنده مسئول: شهرام مدرس خیابانی

مقدمه

نظریه عمومی طنز کلامی^۱ و نظریه انگاره معنایی طنز به‌عنوان «معتبرترین نظریه‌های زبان‌شناختی طنز در دو دهه‌ی گذشته قلمداد می‌شود» (برونه^۲، فیئارتس^۳ و ویثال^۴، ۲۰۰۶: ۲۰۳).

نظریه عمومی طنز کلامی به‌دلایل شفاف‌سازی از جمله سهولت در جمع‌آوری و بررسی داده‌ها، تمرکز خود را روی جوک‌ها به‌عنوان نمونه قرار می‌دهد. در نظریه عمومی طنز کلامی، واژه «عمومی»، به این امر ارجاع دارد که برخلاف نظریه انگاره معنایی که مطلقاً بر پایه موضوع «معنی» است، نظریه عمومی طنز کلامی اطلاعات دیگری در سطوح واجی، ساخت‌واژی و (در یکی از منابع دانش با عنوان «زبان»^۵)، اطلاعات جامعه‌شناختی (در یکی از منابع دانش با عنوان «هدف»^۶)، اطلاعات شناختی (در قالب منبع دانشی با عنوان «سازوکار منطقی»^۷) و موضوعات دیگری را دربر می‌گیرد. به‌رغم این حقیقت روشن که آتاردو (۲۰۰۱) گستره این نظریه را شامل اشکال مختلفی از متن می‌داند و به‌صورت برنامه‌ریزی شده تمام انواع متن به‌همراه متون غیرزبانی را دربر دارد، بسیاری به‌اشتباه این دسته‌بندی را به این معنی می‌پندارند که نظریه عمومی طنز کلامی صرفاً به جوک‌ها محدود می‌شود.

هدف از انجام این پژوهش آن است تا با استفاده از نظریه عمومی طنز کلامی، الگوهای رایج ساخت جوک در زبان فارسی شناسایی شود و در ادامه می‌خواهیم ببینیم که کدام الگو باعث خنده بیشتر مخاطب می‌شود. به این منظور ابتدا داده‌های پژوهش براساس مبانی نظری پیش‌گفته تحلیل می‌شود، سپس الگوهای رایج شناسایی شده و پس از آن با تهیه پرسشنامه و کسب نظر مخاطبان الگو برتر ساخت جوک براساس معیار خنده‌داری شناسایی خواهد شد. بنابراین در این پژوهش قصد داریم به سوالات زیر پاسخ دهیم:

۱- الگوهای رایج منابع دانش در شکل‌گیری طنز فارسی چگونه است؟

۲- رابطه میان میزان خنده‌داری با هر یک از الگوهای رایج چیست و الگوی برتر کدام است؟

پیشینه

طنز، تاریخی به درازای تاریخ بشر دارد. آتاردو^۸ (۲۰۰۸: ۱۲۰) معتقد است که سرآغاز تحلیل‌های طنز به افلاطون و ارسطو باز می‌گردد. اندیشمندان در ابتدا بیشتر بر فاعل این متون طنزآمیز توجه می‌کردند. اما رفته‌رفته نظریه‌پردازان نیمه دوم سده بیستم تلاش بسیار می‌کردند تا طنز را هم در یک قالب مفهومی تعریف کنند و هم نظریه‌ای مرتبط با آن خلق کنند. درنهایت این تلاش‌ها توسط نظریه‌پردازانی به نام راسکین به ثمر نشست و نظریه «انگاره طنز معنایی»^۹ پدید آمد. راسکین^{۱۰} سال ۱۹۸۵ این رویکرد را از زاویه دیگری مطرح کرد که براساس آن، مبنای ایجاد طنز، ابهام و تناقض در واژگان و قواعد ترکیبی بود. پس از راسکین، نظریه‌های دیگری مطرح شد که سه نظریه مشهور در این باب به ترتیب، «نظریه عدم تجانس»^{۱۱}، «نظریه تخطی از اصل ارتباط»^{۱۲} و «نظریه عمومی طنز کلامی» بیان شد (آتاردو، ۲۰۰۸: ۴۲۴؛ آتاردو، ۲۰۰۵: ۴۱۷).

پژوهشگران ایرانی نیز از دیدگاه‌های مختلف به مطالعه طنز پرداخته‌اند که با توجه به موضوع این پژوهش به برخی از آنها که به تحلیل جوک و از سوی دیگر کاربردی نظریه عمومی طنز پرداخته‌اند اشاره خواهیم کرد. زمانیان (۱۳۸۶) به «نقش ابهام در لطیفه‌های زبان فارسی» می‌پردازد و نقش ابهام زبانی (واژگانی و نحوی) را در لطیفه‌های گفتاری زبان فارسی بر اساس دیدگاه نظریه معناشناختی ویکتور راسکین مورد بررسی قرار می‌دهد. از نتایج بررسی صورت گرفته این است که از بین انواع ابهام، ابهام واژگانی بیشترین نقش و از بین انواع ابهام واژگانی، چندمعنایی سهم بیشتری را در ساخت لطیفه‌های مورد بررسی در زبان فارسی داشته است. کرامتی یزدی (۱۳۸۸) به «توصیف و بررسی طنز در مطبوعات زبان فارسی از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۸۸ بر اساس رویکردهای کاربردشناختی» پرداخته است. در این پژوهش برای تحلیل جوک‌های مطبوعاتی از نظریه انگاره معنایی طنز راسکین، برای تحلیل متون منثور طنز از نظریه عمومی طنز کلامی و برای تحلیل متون مکالمه‌ای طنز از اصل عدم همکاری استفاده شده است. محرابی و مدرس خیابانی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی عوامل

8. S. Attardo
9. Semantic Script Theory of Humor (SSTH)
10. V. Raskin
11. incongruity
12. non-cooprative principle

1. General Theory of Verbal Humor GTVH
2. G. Brône
3. K. Feyaerts
4. T. Veale
5. language
6. target
7. logical mechanism

عبارت «عمومی» در نظریه عمومی طنز کلامی، مبین این است که این نظریه برخلاف نظریه طنز انگاره معنایی که فقط به معنا یا محتوا محدود است، دربردارنده طیف وسیع‌تری از اطلاعات آوایی، صرفی و غیره (در متغیر زبان)، ساختار متن (در شیوه روایت)، اطلاعات جامعه‌شناختی (در هدف)، اطلاعات ادراکی (در سازوکار منطقی) و غیره است. بنابراین، نظریه عمومی طنز کلامی می‌تواند متون بلندتر و متنوع‌تری را تجزیه و تحلیل کند و فقط محدود به جوک‌ها یا طنزهای کوتاه نمی‌شود. آتاردو، این منابع را به ترتیب به صورت زیر فهرست کرده است (آتاردو، ۲۰۱۷: ۱۲۸).

درواقع منابع دانش به صورت سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی شده‌اند.

جدول ۱. سلسله‌مراتب منابع دانش از دیدگاه راسکین و آتاردو (۱۹۹۱)^۲

تقابل انگاره
سازوکار منطقی ^۳
موقعیت ^۴
هدف ^۵
روش بیان ^۶
زبان ^۷

درواقع، درجه شباهت میان جوک‌ها نشانگر سلسله‌مراتب موجود در منابع دانش است، بنابراین در صورتی که دو جوک تنها در منبع دانش «زبان» با هم تفاوت داشته باشند به عنوان جوک‌های «بسیار مشابه» قلمداد می‌شوند. این در حالی است که اگر آن‌ها در منبع دانش «تقابل انگاره» مغایر باشند برچسب جوک‌های «بسیار متفاوت» را می‌پذیرند.

روش پژوهش

داده‌های پژوهش حاضر از میان شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان تلگرام^۸، واتس‌آپ^۹ و اینستاگرام^{۱۰} در بازه زمانی اسفندماه ۱۳۹۸ تا پایان اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ جمع‌آوری شده است. پس از درج جوک‌ها در نرم‌افزار اکسل

زبانی مؤثر در شکل‌گیری طنز کلامی» ضمن مشخص کردن ویژگی‌های واژگانی طنز کلامی در جوک‌های پیامکی، به طبقه‌بندی انواع این نوع جوک بر اساس الگوی لیو پرداخته‌اند. شریعت پناه (۱۳۹۲) به تحلیل گفتمان «وغ و ساهاب» نوشته صادق هدایت بر پایه نظریه عمومی طنز کلامی و رویکرد اجتماعی - شناختی ون دایک پرداخته است. وی در پژوهش خود مشخص کرد که از میان شش متغیر اصلی در نظریه عمومی طنز کلامی، دو متغیر زبان و هدف نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری طنز ایفا کرده است. بای (۱۳۹۵) در پژوهش خود به عنوان «مقایسه نظریه‌های طنز زبان‌شناسی در طنز مطبوعاتی ایران»، با استفاده از منابع دانشی نظیر تقابل انگاره، هدف، موقعیت، زبان و شیوه‌ی روایت ضمن بررسی و مقایسه نظریه طنز انگاره معنایی راسکین و نظریه عمومی طنز کلامی راسکین و آتاردو به منظور تعیین قدرت تبیین آنها، به‌طور موردی آنها را بر داده‌های طنزهای مطبوعاتی منتشرشده در دهه ۱۳۸۰ خورشیدی در ایران به کار می‌بندد. در ادامه وی ادعا می‌کند که براساس پژوهش وی نظریه عمومی طنز کلامی توانایی بیشتری در توضیح طنزآمیز بودن متون دارد، زیرا از عناصر و متغیرهای متنوع‌تر و دقیق‌تری برای شناسایی عنصر طنز بهره می‌برد و نظریه طنز انگاره معنایی به دلیل سازوکار وقت‌گیر و بدون خدمت خود و همچنین به خاطر منافع دانش کمتری که استفاده می‌کند، چندان در توضیح متون طنز کارایی ندارد.

چارچوب نظری

هدف نظریه عمومی طنز کلامی به‌جای پاسخ به سؤالاتی چون "چرا طنز وجود دارد؟" و "یا مردم چگونه از طنز استفاده می‌کنند؟" پاسخ به این سؤال است که "طنز چیست؟" نقطه آغاز این نظریه شباهت‌ها و تفاوت‌های میان جوک‌ها بوده است و همین بررسی موجب کشف شش متغیر در جوک‌ها شده است که جوک را شکل می‌دهد و به آنها منابع دانش^۱ گفته می‌شود. علاوه بر متغیر تقابل انگاره که در نظریه انگاره معنایی طنز نیز وجود داشت، پنج متغیر دیگر وجود دارند که عبارتند از سازوکار منطقی، موقعیت، هدف، شیوه روایت و زبان (آتاردو و راسکین، ۱۹۹۱: ۲۹۵). شکل (۳-۲) فهرستی از منابع دانش و سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی آنها را نشان می‌دهد.

2. Hierarchy of knowledge sources based on Attardo, S. & Raskin, V. (1991)
 3. Logical mechanism
 4. Situation
 5. Target
 6. Narrative strategy
 7. Language
 8. Telegram
 9. WhatsApp
 10. Instagram

1. Knowledge Resources

هستیم. حال طی یک فرایند «واژگانی» مرسوم به «هم‌نامی» شنونده با ابهام مواجه می‌شود. بنابراین عدم‌تجانس برانگیخته از این محتوای معنایی به فرایند شفاف‌سازی از طریق سازوکار منطقی نیازمند است.

۲. یارو به پازلو بعد از ۳ سال می‌سازه، بهش می‌گن چرا این قدر طولانی؟؛ می‌گه من که خوبم، روش نوشته بود ۷ تا ۱۰ سال.

در نمونه (۲) واژه «سال» متأثر از فرایند واژگانی «چندمعنایی» دارای دو معنای «سن» و «بازه زمانی» است که این موضوع باعث ایجاد ابهام و عدم‌تجانس برای شنونده می‌شود.

۳. یارو زنگ می‌زنه پیتزافروشی می‌گه یه پیتزا می‌خواستیم؛ فروشنده می‌گه: به نام ...؟! یارو می‌گه: آخ ببخشید، «به نام خدا»، یه پیتزا می‌خواستیم.

در نمونه (۳) عبارت «به نام» یادآور کلیشه زبانی است که معمولاً در فرهنگ فارسی‌زبانان، عبارتی آغازگر است که در ابتدای یک تبادل زبانی به کار می‌رود. این ساختار باعث ایجاد عدم‌تجانس و ابهام به‌واسطه تشابه ساختاری با قالب پرسشی می‌شود.

۴. وحشی! یواش همسایه‌ها خوابن!!! . مادر «وحشی بافقی» وقتی «وحشی» تو خونه توپ‌بازی می‌کرد.

در نمونه (۴) استفاده از کلمه «وحشی» در دو انگاره معنایی متأثر از پدیده «هم‌نامی» در زبان است. از یک سو، کلمه وحشی به‌عنوان یک صفت تعبیر معنایی می‌شود و از سوی دیگر یک اسم خاص در زبان فارسی بوده است. بدین ترتیب، عدم‌تجانس ایجاد شده با استفاده از سازوکار منطقی نیاز به شفاف‌سازی دارد.

۵. اگه گفتین وقتی برنج با آب می‌خورین چی بهش می‌گن...؟ می‌گن... «واترپلو»

در نمونه (۵) واژه مرکب «واترپلو»، یک نمونه قرضی است. از سوی دیگر، گوینده به دو واژه «آب» و «برنج» اشاره می‌کند، عدم‌تجانس در این جوک برگرفته از ترجمه واژه «آب» به زبان انگلیسی و تبدیل «برنج» به مترادف آن به زبان فارسی است. از این رهگذر فرایند هم‌آوایی باعث ایجاد ابهام به‌واسطه تشابه کلمه «پلو» به‌عنوان مترادف واژه «برنج» و واژه انگلیسی «polo» در نام ورزش «واترپلو» است.

۶. داروی درمان کرونا کشف شد: «بتمرگینوفن» تضمینی بدون درد و خونریزی!!

در نمونه (۶) واژه «بتمرگینوفن» از طریق فرایند

هر یک از جوک‌ها براساس منابع دانش به‌کاررفته در آن تحلیل شد تا بتوان پس از برچسب‌دهی جوک‌ها به منابع دانش الگو یا الگوهای رایج آن را به دست آورد.

با توجه به هدف پژوهش که در مقدمه اشاره شد، پژوهش حاضر به‌دنبال شناسایی الگوهای رایج در ساخت جوک در زبان فارسی از یک سو، و شناسایی الگوی برتر براساس معیار خنده‌داری از سوی دیگر است. به همین منظور از هر الگو جوک، ۱۰ جوک جمعاً به تعداد ۳۰ جوک به‌صورت تصادفی انتخاب شد. و از ۱۲۵ نفر خواسته شد به میزان خنده‌داری جوک از ۱ تا ۵ نمره دهند. متغیرهای وابسته در این پژوهش میزان خنده‌داری کلی جوک‌ها یا میزان خنده‌داری یک الگو از جوک‌ها هستند. پرسشنامه در بازه زمانی ۱ تا ۱۱ آذر ۱۳۹۹ پر شده است. پاسخ به همه پرسش‌های پرسشنامه اجباری بود و بنابراین داده‌ازدست‌رفته^۱ وجود ندارد.

تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های پژوهش براساس منابع ذکرشده شش‌گانه دانش در نظریه عمومی طنز کلامی تحلیل و بررسی می‌شود. همان‌طور که در بخش چارچوب نظری اشاره شد، منابع دانش در این نظریه به «زبان»، «نحوه بیان»، «هدف»، «موقعیت»، «سازوکار منطقی» و «تقابل انگاره» تقسیم می‌شود که در این بخش تحلیل هر یک از این منابع براساس داده‌های پژوهش معرفی می‌گردد.

زبان

آتاردو و راسکین (۱۹۹۱)، در نظریه پیشنهادی خود عنوان می‌کنند که منبع دانش زبان با تمامی سطوح زبانی اعم از سطوح آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی سروکار دارد. علاوه بر این سطوح، مواردی همچون سبک و سیاق در حوزه منبع دانش زبان بررسی می‌شود. در نمونه‌های زیر به معرفی این منبع دانش می‌پردازیم:

۱. یارو چشمش قرمز می‌شه می‌گن چی شده؟؛ می‌گه چش خورده!؛ می‌گن مگه شما هم چشم می‌خورین؟؛ می‌گه از اون چش‌نا نه، چش شلوار.

در نمونه (۱) با دو فرایند آوایی روبرو هستیم، آوای اول واژه «کش» به آوای «چ» تبدیل شده است. سپس در مرحله بعد با فرایند حذف آخرین همخوان کلمه «چشم» روبرو

مورد هدف طنز هستند. این منبع دانش، یک ویژگی اختیاری است؛ بدین معنا که نیازی نیست حتماً همه متون طنز دارای هدف باشند.

۱۱. غضنفر می‌ره رستوران، گارسون می‌خواد بذارتش سر کار می‌گه: غذای امروز «کوجی پورو تیاپوفو ساخارینو گلاسه» با «لیمو» است؛ غضنفر می‌گه: «کوجی پورو تیاپوفو ساخارینو گلاسه» با چی؟

در نمونه (۱۱) هدف، رفتاری مرتبط با انسان است. در واقع، چنین مکالمه‌ای در یک رستوران بین یک مشتری و پیشخدمت به مفاهیمی مرتبط با انسان اشاره دارد. ۱۲. آقا مورد داشتیم پشه رفته تو سوراخ دماغ یارو با انگشت همون سوراخ بسته از اون یکی سوراخ حشره کش زده خدا رفتگان شما رو هم بیامرزد. همان‌طور که از نمونه (۱۲) برمی‌آید عکس‌العمل ذکرشده در مقابل پشه، تنها از یک موجود متفکری همچون انسان برمی‌آید.

موقعیت

منبع دانش «موقعیت»، همان به پس‌زمینه مفروض در طنز یعنی شرایط و مکانی که طنز در آن رخ می‌دهد، ارتباط دارد. ۱۳. دیروز رفته بودم بانک سر کوچه، ده سالی می‌شه مشتری اونجام. یهویی عطسه کردم، کارمندای بانک چنان توجهی بهم کردن که تو این ده سال نکرده بودن!

در نمونه (۱۳) «دیروز» به عنصر زمان اشاره دارد، «بانک سر کوچه» یادآور عنصر مکانی^۲ است، «کارمندان بانک» نقش کنشگر^۳ و «بهم [به من]» نقش «کنش‌پذیر»^۴ را دارند.

سازوکار منطقی

منبع دانش «سازوکار منطقی»، شیوه تحلیل عدم‌تجانس بین دو انگاره متقابل موجود در متن طنز را مشخص می‌کند. آتاردو و همکاران (۲۰۰۲)، فهرست متنوعی از ۲۷ عنوان سازوکار منطقی ارائه داده‌اند که در نمودار (۱) و (۲) به آن اشاره شد. آنها سازوکارهای منطقی را در دو دسته کلان «روابط هم‌نشینی»^۵ و «استدلال»^۶ تقسیم کرده‌اند. در اینجا

واژه‌سازی ادغام ساخته شده است. در حقیقت واژه‌های «بتمرگید» و «استامینوفن» با یکدیگر تلفیق شده است. در این نمونه با دو انگاره معنایی نامتجانس روبرو هستیم، از یک سو، یک انگاره معنایی به مفاهیم درمانی ارجاع دارد و از سوی دیگر، انگاره معنایی دوم به یک عبارت امری تحکم‌گونه اشاره دارد.

نحوه بیان

نحوه بیان، توصیفگر نحوه شکل‌گیری و سازمان‌دهی متن جوک به لحاظ توزیع قسمت‌های آن به همراه جایگاه دربردارنده «اوج طنز»^۱ است. بسیاری از جوک‌ها در قالب یک گفتگو هستند که غالباً یک «نقطه اوج» دارند. البته متن طنز می‌تواند یک روایت ساده داستانی، مکالمه و یا از نوع چیستان نیز باشد.

۷. آقای رئیس‌جمهور امروز گفت از کرونا هم عبور می‌کنیم

اما نگفت افقی یا عمودی! [A]

[B]

در نمونه (۷) بخش (A)، زمینه‌ساز رسیدن به نقطه اوج طنز یعنی همان بخش (B) است. در این نمونه قسمت زمینه‌ساز تنها از یک بخش تشکیل شده است اما در نمونه زیر همان‌طور که مشاهده می‌شود قسمت زمینه‌ساز از یک زنجیره دوبخشی یا سه‌بخشی تشکیل شده است.

براساس آنچه در این بخش گفته شد نمونه‌های زیر به ترتیب شامل نحوه بیان (AB)، (AAB) و (AAAB) هستند.

۸. [نمونه چک نوشتن غضنفر]A[۲۳۱۰۰۰ ریال معادل دو سه هزار تومان]B

۹. [غضنفر توی جبهه بی‌سیمچی بوده زنگ می‌زنه می‌گه: آقا ۵ تا عراقی دستگیر کردم بیاید ببرید]A[می‌گن خودت بیار....]A[می‌گه نه شما بیاین اینا نمی‌ذارن من بیام]B

۱۰. [پسره توی تاکسی شکلات می‌خورد، آقای بغل‌دستی گفت: هیچ می‌دونی شکلات برای دندونات ضرر داره؟]A[پسره گفت: پدربزرگم ۱۲۰ سال عمرکرد]A، [مرد گفت: به خاطر شکلات؟]A[پسره گفت: نه، سرش به کار خودش بود]B

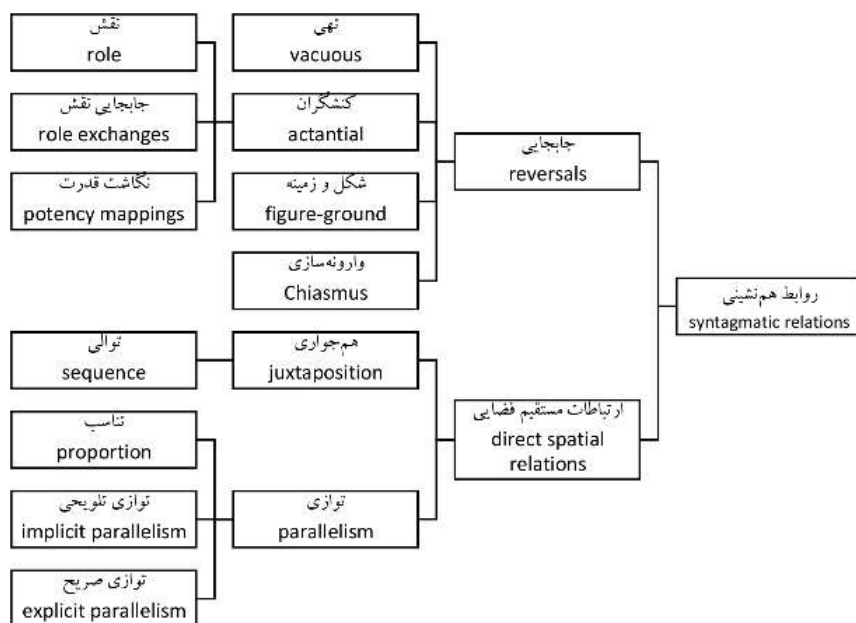
هدف

منبع دانش «هدف»، بیان می‌کند که چه کسی / چیزی،

2. location
3. agent
4. patient
5. syntagmatic relationship
6. reasoning

1. punch line

تلاش شده است تا نمونه‌هایی از زیرمجموعه‌های این دسته‌های کلان آورده شود.



نمودار ۱. سازوکار منطقی روابط هم‌نشینی از دیدگاه آتاردو (۲۰۰۲)

می‌شود و ویروس کرونا به همراه انسان نقش اشکال جدید نامتعارفی برای زمینه متعارف عشق‌ورزی می‌باشند.

– وارونه‌سازی

۱۶. یه زمانی دست تو بینی‌ات می‌کردی بعدش باید دستت رو می‌شستی الان بخوای دست تو بینی‌ات کنی باید اول دستات رو بشوری.

در نمونه (۱۶) سازوکار منطقی موجود، وارونه‌سازی نام دارد با استفاده از این سازوکار منطقی عدم تجانس انگاره‌های معنایی به این ترتیب شفاف می‌شوند که دو بخش از دو عبارت به صورت ضربدردی جایشان جابجا می‌شود. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۱۷. درسته ما کسیو نداریم، عوضش کسیم ما رو نداره. این به اون در.

– جابجایی نقش‌ها

۱۸. یارو توی جبهه بی سیم چی بوده زنگ می‌زنه می‌گه: آقا ۵ تا عراقی دستگیر کردم بیاید برید؛ می‌گن خودت بیار؛ می‌گه نه شما بیاین اینا نمی‌ذارن من بیام.

در نمونه (۱۸) انگاره معنایی، توانایی یک نیروی نظامی در به اسارت گرفتن دشمن، در مقابل انگاره معنایی به اسارت گرفته شدن آن فرد قرار گرفته است، به منظور دسترسی به نقطه اوج جوک، مخاطب می‌بایست از سازوکار منطقی

روابط هم‌نشینی

در این سازوکار منطقی با انواعی از جابه‌جایی‌ها روبرو هستیم که در بخش زیر به معرفی آنها می‌پردازیم.

– تهی

۱۴. بچه ۲۴ ساعت نیست به دنیا اومده، برگشته بهم می‌گه نمی‌تونه راه بره؟! گفتم نه، فقط می‌تونه پشتک بزنه! در نمونه (۱۴) سازوکار منطقی تهی که خود یک نوع از سازوکارهای منطقی جابه‌جایی است باعث شفاف‌سازی عدم تجانس بین انگاره‌های معنایی می‌شود با توجه به این سازوکار منطقی، شنونده درک می‌کند که ترتیب وقوع اتفاقات مذکور در جوک به‌طور معناداری جابه‌جا شده است. درواقع، انتظار می‌رود فرزند انسان قبل از توانایی پشتک زدن در ابتدا بتواند راه برود.

– شکل و زمینه

۱۵. کرونای عزیز... ما هیچ چیزمون به هم نمی‌خوره حتی تو اسمت هم خیلی باکلاس تر از اسم منه... ما به درد هم نمی‌خوریم... نزدیک من نیا... من فکرامو کردم تصمیمو گرفتم... انتخاب من دل‌پیچه است...

در نمونه (۱۵)، از سازوکار منطقی شکل و زمینه برای رفع عدم تجانس موجود استفاده شده است. در این سازوکار منطقی مفهوم تعامل عاشقانه به عنوان زمینه در نظر گرفته

در نمونه (۲۵)، سازوکار منطقی موجود برای رفع عدم تجانس در انگاره‌های معنایی این جوک توازی نام دارد. با توجه به حرف ربط یا با دو عبارت هم‌پایه مواجه هستیم که باهم قابل قیاس نبوده و درواقع به دو انگاره معنایی متضاد تعلق دارند. در نمونه زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۲۶. بابام می‌گه دو تا پیشنهاد برات دارم! ۱- یا تو خونه تکونی کمک می‌کنی ۲- یا زنگ می‌زنم وزارت بهداشت یه مورد مشکوک به کرونا رو اطلاع می‌دم.

استدلال

با توجه به منبع دانش سازوکار منطقی در نظریه عمومی طنز کلامی راسکین و آتاردو، مفهوم کلی استدلال با زیرشاخه‌های صحیح، ناقص و فرا طنز می‌کنند.



نمودار ۲. استدلال از دیدگاه آتاردو (۲۰۰۲)

برانگیخته از فرض پیشین اشتباه

۲۷. یارو تو اتوبوس تا نشست یه چک زد تو گوش بغل دستیش !!! بهش می‌گه دیوونه چته؟ چرا میزنی ؟؟؟ یارو می‌گه: راه طولانیه گفتم یهو حرف زیادی زنی.

در نمونه (۲۷) انگاره معنایی، رفتار اجتماعی نشان‌دار و رفتار اجتماعی بی‌نشان در یک وسیله حمل‌ونقل عمومی در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرد، سازوکار منطقی مناسب به‌منظور شفاف‌سازی عدم تجانس موجود در این دو انگاره

«جابجایی نقش‌ها»^۱ به‌منظور شفاف‌سازی این عدم‌تجانس بهره جوید. درواقع در انگاره معنایی اسیر گرفتن شخص در جایگاه قدرت نقش خود را به شخصی که در جایگاه ضعف است داده و اسیر می‌شود، می‌دهد.

هم‌جواری

۱۹. دستشویی بودم... بابام در زد منم سرفه کردم که بفهمه کسی تو دستشویی هست؛ درو از اونور قفل کرد الانم از زیر در داره گاز آمونیاک می‌ده تو!!

در نمونه (۱۹)، انگاره معنایی، ارائه استدلال نقض در مقابل انگاره معنایی عدم‌پذیرش پند و نصیحت قرار می‌گیرد. به‌منظور شفاف‌سازی عدم‌تجانس موجود در این دو انگاره معنایی، مخاطب می‌بایست از سازوکار منطقی «هم‌جواری»^۲ به‌منظور درک مناسب از نقطه اوج جوک استفاده کند. در این سازوکار منطقی انتظار می‌رود، ارتباط زنجیره‌ای حوادث به‌صورت علت و معلولی درک شده و شنونده بدون نیاز به شنیدن معلول آخر به مفهوم آن دست یابد. در این نمونه در مسیر وقوع حوادث در نهایت مفهوم عدم تمایل در پذیرش پند و اندرز قابل استنباط است. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۲۰. به طرف می‌گن از چه گلی خوشت می‌آد؟؛ می‌گه آفاقا؛ می‌گن خوب همین رو بنویس؛ می‌گه غلط کردم، رز.

۲۱. یارو زنگ می‌زنه ۱۱۰ می‌گه آقا پدال گاز و پدال ترمز و پدال کلاچ و فرمون و دنده رو دزدیدن! پلیس می‌گه، برو صندلی جلو بشین.

۲۲. غضنفر می‌میره می‌ره اون دنیا، ازش می‌پرسن چی شد مُردی؟؛ می‌گه داشتم شیر می‌خوردم؛ می‌گن: شیرش فاسد بود؟؛ می‌گه نه بابا، گاو یهو نشست.

۲۳. دوستم دعوتم کرد به گروه وارد شدم می‌بینم فقط منو خودشیم(!!) می‌گم خب می‌اومدی pv^۳ می‌گه نه اینجا بزرگ‌تره.

۲۴. به بابام می‌گم از این دنیا خسته شدم، می‌خوام خودمو از پنجره پرت کنم پایین؛ می‌گه نه این کارو نکن!! توری پاره می‌شه پشه می‌آد تو...!

توازی

۲۵. مادر: پسر، من دارم می‌رم خرید یه وقت به کبریت دست زنی‌ها؛ پسر: نه مامان جون من خودم فندک دارم.

1. role exchanges

2. juxtaposition

3. pv: private: (به معنای دیگر: محرمانه)

زیرمجموعه عنوان اصلی استدلال است. به بیان ساده تر، ترکیب کلمات جام و جم با گونه گفتاری عمل جمع کردن جای خواب در جوک هم‌وقوع شده است. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۳۳. یه تست برای اینکه بفهمید ناقل هستید یا نه روی زمین دراز بکشید سعی کنید به سمت چپ یا راست قل بخورید اگر قل نخوردید شما ناقلید.

۳۴. به طرف می‌گن با مناجات جمله بساز می‌گه: مونا جات رو بنداز بخواب.

– قیاس

۳۵. یارو سکه می‌اندازه صندوق صدقات، سوارش می‌شه. در نمونه (۳۵) از سازوکار «قیاس» برای شفاف‌سازی عدم‌تجانس موجود در انگاره‌های معنایی استفاده شده است. فرایند قیاس، باعث می‌شود که شنونده جوک درحالی‌که با دو انگاره معنایی متفاوت روبرو است بتواند درک منطقی مناسبی از سازوکار شفاف‌سازی به دست آورد. در حقیقت، در این نمونه با توجه به سازوکار منطقی قیاس با دو وسیله روبرو هستیم که در تمامی خصایص با هم متفاوت هستند درحالی‌که تنها در یک خصیصه داشتن شیار دریافت سکه با هم مشترک هستند.

۳۶. زنه به شوهرش می‌گه: تو هیچ‌وقت منو دوست نداشتی! مرد یه نگاهی به پنج تا بچه‌هاشون می‌کنه می‌گه: پس این بچه‌ها رو از تو گوگل دانلود کردیم!!؟

در نمونه (۳۶)، با دو انگاره معنایی متقابل روبرو هستیم در یکی از آنها فرایند بارداری و صاحب فرزند شدن و در دیگری فرایند دانلود کردن اطلاعات از موتور جستجوگر گوگل مشهود است. به‌منظور ایجاد شفاف‌سازی و از بین بردن عدم‌تجانس مابین این دو انگاره معنایی شنونده جوک نیازمند به‌کارگیری یک سازوکار منطقی است در این نمونه سازوکار منطقی مورد‌استفاده قیاس است که یکی از زیرمجموعه‌های عنوان کلی سازوکار منطقی استدلال است. به‌منظور شفاف‌سازی بیشتر، در عملکرد سازوکار منطقی قیاس این امر قابل‌ذکر است که در این دو انگاره معنایی تنها خصیصه مشابه فرایند تولید است به بیان ساده‌تر مادر باردار پس از وضع حمل فرزند را تولید می‌کند و با استفاده از موتور جستجوگر گوگل، دستیابی به اطلاعات را می‌توان به‌مثابه نوعی تولید در نظر گرفت. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۳۷. یارو می‌آد تهران، تو ترافیک گیر می‌کنه می‌گه: ها

معنایی «برانگیخته از فرض پیشین اشتباه»^۱ نام دارد. در این سازوکار منطقی رفتار یکی از مشارکان در جوک برانگیخته از یک فرض نشان‌دار و نامأنوس در این انگاره معنایی است. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۲۸. به یکی می‌گن اگه تو دریا کوسه بهت حمله کنه چه کار می‌کنی؟ می‌گه می‌رم بالای درخت؛ می‌گن: تو دریا که درخت نیست؛ یارو می‌گه: مجبورم می‌فهمی؟ مجبورررررم.

۲۹. به یارو می‌گن «بیا اینجا» به انگلیسی چی می‌شه؟ می‌گه: کام هیر؛ می‌گن حالا «برو اونجا» به انگلیسی چی می‌شه؟ می‌گه: خوب می‌رم اونجا می‌گم کام هیر.

– حلقه مفقوده

۳۰. روزایی که دلم می‌گیره و حال خوب نیست. می‌رم سمت پیانو می‌بینم نداریم باز برمی‌گردم اینستا. در نمونه (۳۰)، دو انگاره معنایی، بهره‌جستن از امکانات زندگی مرفه در تقابل با انگاره معنایی محدودیت در گزینه‌های لذت بردن از اوقات فراغت به دلیل عدم استطاعت مالی قرار می‌گیرد در این نمونه مخاطب جوک به‌منظور دستیابی به شفافیت موردنیاز جهت رسیدن به نقطه اوج و درک عدم‌تجانس موجود از سازوکار منطقی «حلقه مفقوده» بهره می‌جوید. در این سازوکار منطقی یکی از گزاره‌های معنایی مطرح شده در متن جوک به‌عنوان حلقه مفقوده نقش ایفا می‌کند که در این نمونه پیانو نواختن در اوقات فراغت مشمول این موضوع است. در نمونه زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۳۱. از وقتی اوادم فیس بوک متوجه شدم ۹۹ درصد مردای ایرانی خوش‌اندام هستن و همچنین تمام خانوما چشمایی رنگی دارن و ایناییم که بیرون می‌بینیم ایرانی نیستن، توریستن!...

– هم‌زمانی

۳۲. به یه نفر گفتند با جام جم جمله بساز گفت: من هر روز صبح جام جم می‌کنم.

در نمونه (۳۲)، در ابتدا تقابل انگاره معنایی مابین انگاره جمله‌سازی بی‌نشان در مقابل انگاره جمله‌سازی نشان‌دار دیده می‌شود. بنابراین جهت رسیدن به نقطه اوج جوک، شنونده ناگزیر از به‌کارگیری سازوکار منطقی «هم‌زمانی» که زیرمجموعه عنوان کلی استدلال صحیح است که خود نیز،

1. from false premise

استفاده کند درحالی‌که وی در این انگاره معنایی نقش شخصی را ایفا می‌کند که با دست خالی شخص دیگری را تهدید کرده است. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۴۶. دیشب نصفه شبی یهویی هوس سوشی کردم!!!... فقط نمی‌دونم چی هست.

۴۷. یه دفعه پلیس غضنفر را می‌گیره بهش می‌گه کارت ماشین، گواهینامه، بیمه غضنفر می‌گه باید با اینها جمله بسازم.

۴۸. مورد داشتیم دختره داشته راندگی می‌کرده پادش رفته دنده چنده زده بغل دوباره از دنده یک شروع کرده.

– فراطنر

۴۹. به باباه می‌گن عروسی پسر ت کیه؟ می‌گه این چهارشنبه نه.. دوشنبه‌ی بعد.

در نمونه (۴۹)، سازوکار منطقی کاملاً وابسته به برداشت و انتظارات شنونده جوک است. درحالی‌که شنونده جوک انتظار مواجهه با گزاره منطقی را دارد به ناگاه فریب داده شده و با یک گزاره معنایی بی‌منطق روبرو می‌شود. در این جوک شنونده انتظار دارد که تاریخ عروسی دوشنبه هفته آتی باشد اما برخلاف انتظار منطقی وی روز چهارشنبه به‌عنوان روز مقرر معرفی می‌شود. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۵۰. یه دفعه یه پسره داشته راه می‌رفته می‌خوره زمین هو!!!!!! میره نمی‌دونی تا کجا!!!!!! می‌ره.

۵۱. به یارو میگن: دختر تو به کی دادی؟ می‌گه: غریبه نیست. دامادمه»

۵۲. به یه یارو میگن: دو دو تا؟ می‌گه: پس چند تا؟.

تقابل انگاره

تقابل انگاره یکی از منابع شش‌گانه دانش است که ابتدا در نظریه «تقابل انگاره معنایی» راسکین (۱۹۸۵) مطرح شد. در این مقوله دو انگاره معنایی در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در واقع، این تقابل منجر به عدم‌تجانس می‌شود که به کمک سازوکار منطقی شفاف‌سازی صورت می‌پذیرد. راسکین (۲۰۱۷: ۱۱۲)، این تقابل‌های انگاره را به «واقعی/غیرواقعی»^۳، «هنجار/ناهنجار»^۴، «ممکن/ناممکن»^۵،

ماشالا! به این میگن عروسی.

۳۸. طرف می‌ره بالای پل عابر پیاده داد می‌زنه حالا من خر، من نفهم، آخه شما اینجا رودخانه می‌بینید که اومدین روش پل زدید.

۳۹. یه نفر می‌ره زیر ماشین، رفقاش با دمپایی و سنگ می‌زنن درش می‌آرن!

۴۰. اونایی که ماسک فیلتردار زدن یه جورایی به آدم نگاه می‌کنن که انگار پشت مازراتی نشستن.

– اغراق

۴۱. از بیکاری یه جاهایی از خونه رو داریم تمیز می‌کنیم که اصلاً تو سند قید نشده!

در نمونه (۴۱)، انگاره معنایی نطافت جاهای معمول در خانه در مقابل انگاره معنایی جاهای غیرمعمول قرار می‌گیرد، مخاطب این جوک به‌منظور نیل به شفاف‌سازی عدم‌تجانس موجود در این دو انگاره معنایی، از سازوکار منطقی «اغراق»^۱ بهره می‌جوید، در این سازوکار منطقی مفهوم عمل نطافت خانه، آن‌چنان به‌صورت اغراق شده بازگو می‌شود که گویی قسمت‌های ناشناخته‌ای به محیط خانه اضافه می‌شود. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۴۲. با این وضعیتی که قیمت گاو و گوسفند پیدا کرده... تا چند وقت دیگه جلوی پای عروس و دوما ت ماهی باز می‌کنن!

۴۳. خیلی وقته عروسی نرفتم. داره مزه ترکیب خیار و شیرینی دانمارکی یادم میره.

۴۴. اگر تعطیلی مدارس ادامه پیدا کنه به احتمال زیاد مادران داروی کرونا را کشف می‌کنند.

– نادیده گرفتن وضوحات

۴۵. یارو میره دزدی تفنگش رو می‌ذاره پشت گردنه طرف می‌گه تکون بخوری با لگد می‌زنم تو شیکمت.

در نمونه (۴۵)، دو انگاره معنایی، تهدید با اسلحه گرم و عواقب آن با انگاره معنایی تهدید بدون اسلحه گرم و عواقب آن در تقابل هستند. شنونده جوک برای رسیدن به نقطه اوج جوک و شفاف‌سازی عدم‌تجانس موجود بین دو انگاره معنایی از سازوکار منطقی «نادیده گرفتن بدیهیات»^۲ استفاده کرده است. با استفاده از این سازوکار منطقی مخاطب جوک به این درک می‌رسد که شخصی که دارنده اسلحه گرم است به‌طور واضح می‌بایست از این امکان برای تهدید شخص مقابل

3. actual/ nonactual
4. normal/ abnormal
5. possible/ impossible

1. exaggeration
2. ignoring the obvious

«خوب/بد»^۱، «زندگی/مرگ»^۲، «جنسیتی/غیرجنسیتی»^۳، «جایگاه بالا/جایگاه پایین»^۴ تقسیم می‌کند.

۵۳. کرونا به زلزله می‌گه: تو بیارشون بیرون من می‌گیرمشون می‌دم سیل بیره.

۵۴. وقتی ظرف محلول ضدعفونی کننده رو ضدعفونی می‌کنم یاد تابع $f(f(x))$ می‌افتم.

۵۵. اونایی که ماسک فیلتردار زدن یه جورایی به آدم نگاه می‌کنن که انگار پشت مازاراتی نشستن.

در نمونه‌های (۵۳ تا ۵۵)، به ترتیب از تقابل انگاره «زندگی/مرگ»، «هنجار/ناهنجار» و «جایگاه بالا/جایگاه پایین» استفاده شده است.

– واقعی / غیرواقعی

۵۶. امروز داشتیم به مشکلاتم می‌خندیدم مشکلات اومد زد تو گوشم گفت مگه من باهات شوخی دارم بچه اصلاً جنبه نداشت.

در نمونه (۵۶)، تقابل انگاره از نوع انگاره واقعی در مقابل انگاره غیرواقعی است. در حقیقت، انگاره معنایی «مشکلات»، به‌عنوان یک موجودیت بی‌جان در مقابل انگاره معنایی جاندار بودن مشکلات به همراه یک عکس‌العمل خاص انسان قرار می‌گیرد. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۵۷. یک روز یارو سکه رو می‌اندازه بالا، شیر می‌آد فرار می‌کنه.

۵۸. به یارو می‌گن کجای تهران می‌شینن؟ می‌گه هر جا خسته شدم.

۵۹. پسر، دختر محلشون را نشون می‌کنه، رفیقاش میان با سنگ می‌زنن.

– خوب / بد

۶۰. یارو بعد از عمری میره مو می‌کاره، اسمش حج واجب درمیاد.

در نمونه (۶۰)، تقابل انگاره موجود از نوع تقابل خوب/بد است. به بیان ساده‌تر، کاشتن مو باعث برانگیختن انگاره معنایی «خوب» می‌شود درحالی‌که داشتن مو در مناسک حج باعث شکل‌گیری انگاره «بد» می‌شود. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۶۱. گفتم: از صدای سخنش ندیدم خوش‌تر! گفت عشق رو میگی؟ گفتم پَـ نه پَـ صدای خروپف بابام رو میگم!

۶۲. تنها کاری که ایرانیا توش با هم همکاری می‌کنن

چیه... تو جاده چراغ می‌زنن که پلیس وایساده!
۶۳. درسته ما کسبو نداریم، عوضش کسیم ما رو نداره. این به اون در.

– جایگاه بالا/ جایگاه پایین

۶۴. طرف تو خواستگاری از یه دختره می‌پرسه اسم شما چیه؟ دختره می‌گه اسم من توی تمام باغچه‌ها هست. طرف می‌گه: آهان فهمیدم، اسمتون شلنگه.

در نمونه (۶۴)، عدم‌تجانس موجود برانگیخته از تقابل انگاره جایگاه بالا و جایگاه پایین است. دختر در این مکالمه سعی دارد با زمینه‌چینی مناسب، مرد را بر آن دارد که به اسم زیبای او پی‌برد، انگاره معنایی شکل‌گرفته در این بخش، «جایگاه بالا» نام دارد، درحالی‌که مرد، با برداشت اشتباه نام دختر را یک شیء بی‌ارزش خطاب می‌کند که درواقع شکل‌دهنده انگاره معنایی «جایگاه پایین» است. در نمونه‌های زیر نیز از این سازوکار استفاده شده است.

۶۵. دیشب خواب دیدم رفتم ایتالیا ولی چون تصویری ازش نداشتم مغزم داشت اتوبان همت رو پخش می‌کرد.

۶۶. به بابام می‌گم بیل گیتس و زاک‌برگ هم از دانشگاه انصراف دادن ولی موفقن. می‌گه نکبت، اونا از هاروارد انصراف داد نه از دانشگاه تو!!

۶۷. یارو تو تاکسی می‌گه نجارها خیلی دزدن، بغلیش می‌گه درست صحبت کن. می‌گه مگه تو نجاری؟ می‌گه نه من دزدم.

– مرگ/ زندگی

۶۸. کرونا به زلزله می‌گه: تو بیارشون بیرون من می‌گیرمشون می‌دم سیل بیره.

در نمونه (۶۸)، عناصری چون «کرونا»، «زلزله» و «سیل» باعث شکل‌گیری انگاره «مرگ و نیستی» می‌شود و از آنجا که طعمه موردنظر در جوک انسان به‌عنوان یک موجود زنده است، عدم‌تجانس موجود به‌واسطه تقابل انگاره معنایی «مرگ/ زندگی» قابل توصیف می‌شود.

– پول/ بی‌پولی

۶۹. دیروز رفتم نمایشگاه ماشین، یه دونه مازراتی دیدم خیلی خوشم اومد، این ماه حقوقمو بگیرم یه آژانس می‌گیرم می‌رم دوباره می‌بینمش!

کسب توانمندی خرید خودروی لوکس و گران‌قیمت «مازراتی» یادآور انگاره معنایی «تمکن مالی و پول» است، در این نمونه حتی تا میانه این جوک شنونده بر این باور است که شخصی که در این جوک نقش ایفا می‌کند بعد از دریافت حقوق

1. good/bad
2. life/death
3. sex/no-sex
4. high stature/ low stature

الگو یا الگوهای رایج آن را به دست آورد. لازم به توضیح است در انجام این روش تحلیلی دو منبع دانش «هدف» و «موقعیت» بنا به دلایلی که پیش‌تر ارائه شده است از چرخه تحلیل خارج شده است از سوی دیگر منبع دانش «سازوکار منطقی» به دلیل گستردگی و تنوع زیرمجموعه‌ها برای اجرای دقیق‌تر پژوهش به دو زیربخش «روابط هم‌نشینی» و «استدلال» تقسیم شده است. در شکل زیر ترتیب قرارگیری منابع دانش در تحلیل جوک‌ها ارائه شده است.



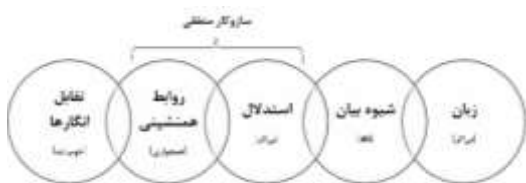
شکل ۱. ترتیب قرارگیری منابع دانش در تحلیل جوک‌ها

پس از تحلیل داده‌ها سه الگوی رایج با بالاترین بسامد به شرح زیر به دست آمد:



شکل ۲. الگوی شماره (۱) ساخت جوک در زبان فارسی

نتایج تحلیل داده‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که در الگوی شماره (۱) ساخت جوک در زبان فارسی که در شکل شماره ۲ نمایش داده شده است، منبع دانش زبان بی‌اثر است. این بدان معناست که حوزه‌های زبانی همچون حوزه واج، آوا، صرف و ارتباط‌های واژگانی در ساخت این الگو هیچ نفوذی ندارند. شیوه بیان در این الگو AB هست که نشانگر اهمیت کوتاه بودن بخش زمینه‌ساز در مسیر رسیدن به نقطه اوج جوک است. در منبع دانش سازوکار منطقی که به دو مجموعه استدلال و روابط هم‌نشینی به همراه زیرمجموعه‌های خود تقسیم شده است، سازوکار منطقی استدلال بی‌اثر بوده و در نتیجه سازوکار منطقی روابط هم‌نشینی از نوع جابجایی نقش‌ها فعال است. در این الگو تقابل انگاره جنسیتی/غیرجنسیتی از بسامد بیشتری برخوردار است.



شکل ۳. الگوی شماره (۲) ساخت جوک در زبان فارسی

ماهانه گویا توانمندی لازم برای خرید این خودروی لوکس را پیدا می‌کند و این در حالی است که انگاره معنایی «بی‌پولی» با نشان دادن این امر که این شخص تنها امکان بازگشتن به نمایشگاه خودرو برای بازدید مجدد «مازراتی» باعث ایجاد عدم‌تجانس و تقابل انگاره معنایی «پول/ بی‌پولی» می‌شود.

هنجار/ناهنجار

۷۰. به طرف می‌گن از قفل فرمونت راضی هستی می‌گه آره فقط سر پیچ اذیت می‌کنه!

در نمونه (۷۰)، انگاره معنایی شکل‌گرفته به‌واسطه استفاده معیوب از یک وسیله در خودرو در مقابل انگاره معنایی سود بردن از آن وسیله قرار می‌گیرد، به بیان ساده‌تر استفاده نابجا از قفل فرمان باعث شکل‌گیری انگاره معنایی «ناهنجار» می‌شود و از سوی دیگر، استفاده مناسب از قفل فرمان باعث شکل‌گیری انگاره معنایی «هنجار» می‌شود.

ممکن/ناممکن

۷۱. بچه به باباش می‌گه: پنکه خراب شده باباش میگه: خوب معلومه پنج نفری زیرش می‌خوابین، می‌خوای خراب نشه؟!!

در نمونه (۷۱) خراب شدن پنکه به دلیل تعداد افراد قرار گرفته در مقابل آن باعث شکل‌گیری انگاره معنایی «ناممکن» می‌شود. تقابل موجود میان انگاره معنایی مذکور و انگاره معنایی منبعت از فرایند خراب شدن یک وسیله الکتریکی که انگاره معنایی «ممکن» است باعث ایجاد عدم‌تجانس می‌شود.

جنسیتی/غیرجنسیتی

۷۲. رفتم داروخانه چسب بگایم نداشتن... دختره دنبالم افتاده می‌گه خودم مرهم زخمات می‌شم، چشم و چراغ خونت می‌شم...

در نمونه (۷۲) انگاره معنایی خرید چسب از داروخانه که درون مایه غیرجنسیتی دارد در مقابل انگاره معنایی ارتباط عاطفی با مضمون جنسیتی قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

از اهداف پژوهش، شناسایی الگوهای رایج منابع دانش در شکل‌گیری طنز فارسی است. براساس تحلیل‌های انجام‌شده بر روی پیکره پژوهش حاضر می‌توان به سه الگوی زیر دست یافت. برای دستیابی به الگوهای رایج، می‌بایست هر یک از جوک‌ها براساس منابع دانش به‌کاررفته در آن تحلیل شود تا بتوان پس از برچسب‌دهی جوک‌ها به منابع دانش

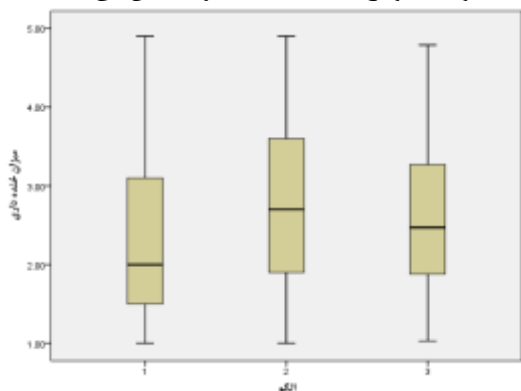
جوک از ۱ تا ۵ نمره دهند. متغیرهای وابسته در این پژوهش میزان خنده‌داری کلی جوک‌ها یا میزان خنده‌داری هریک از الگوهای رایج شکل‌دهنده طنز یا میزان خنده‌داری یک نوع از جوک‌ها (ختنی، مذهبی، سیاسی، قومیتی و جنسیتی) هستند. پاسخ به همه پرسش‌های پرسشنامه اجباری بود و بنابراین داده از دست‌رفته^۱ وجود ندارد.

متغیر مستقل این بخش، الگو، متغیری اسمی^۲ است و متغیر وابسته، میانگین میزان خنده‌داری جوک‌های یک الگو، متغیری عددی^۳ است. متغیر مستقل (الگو) ۳ سطح دارد. جدول زیر نمایانگر میانگین (به‌عنوان معیار گرایش به مرکز)، انحراف معیار (به‌عنوان معیار پراکندگی)، حداقل و حداکثر میزان خنده‌داری هریک از الگوهای شکل‌دهنده طنز در زبان فارسی هستند. از جدول این‌طور برمی‌آید که به‌طور میانگین الگوی ۲ بیشتر از سایر الگوها خنده‌دار بوده اما پراکندگی میزان خنده‌داری این الگو نیز بیش از بقیه الگوها بوده است.

جدول ۲. بسامد الگوهای شکل‌دهنده طنز

الگو	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
۱	۱۲۵	۲,۲۹	۰,۹۵	۱,۰۰	۴,۹۰
۲	۱۲۵	۲,۸۰	۱,۰۲	۱,۰۰	۴,۹۰
۳	۱۲۵	۲,۵۸	۰,۹۰	۱,۰۳	۴,۷۹
مجموع	۳۷۵	۲,۵۶	۰,۹۸	۱,۰۰	۴,۹۰

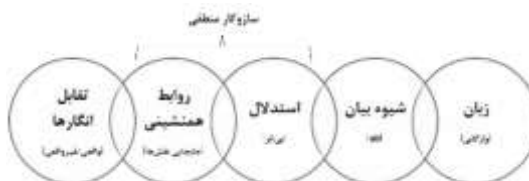
نمودار ۵ توزیع داده‌ها در سه الگو را نشان می‌دهد.



شکل ۵. رابطه میان الگوهای شکل‌دهنده طنز و میزان خنده‌داری

برای بررسی ارتباط بین الگو و میزان خنده‌داری در صورت توزیع نرمال متغیر وابسته و همگونی^۴ داده‌ها می‌توانیم از آزمون آنوای تک‌راهه^۵ استفاده کنیم. اما بررسی

الگوی دوم که در شکل شماره (۳) نمایش داده شده است، حاکی از آن است که مشابه الگوی اول منبع دانش زبان بی اثر، شیوه بیان AB و سازوکار منطقی از نوع استدلال بی اثر بوده است. باوجود این امر که سازوکار منطقی در الگوی دوم نیز از نوع روابط هم‌نشینی است، زیر مجموعه آن همجواری را نمایان می‌کند. در این الگو تقابل انگاره از نوع خوب/ بد است.



شکل ۴. الگوی شماره (۳) ساخت جوک در زبان فارسی

الگوی سوم که در شکل شماره (۴) نمایش داده شده است، منبع دانش زبان از نوع واژگانی از بسامد بالاتری برخوردار است. شیوه بیان در این الگو مشابه الگوهای یک و دو AB بوده و همچنین سازوکار منطقی از نوع استدلال بی اثر است. در این الگو نیز سازوکار منطقی از نوع روابط هم‌نشینی با عنوان جابجایی نقش‌ها مانند الگوی اول با بیشترین بسامد دیده می‌شود. در این الگو تقابل انگاره از نوع واقعی/ غیر واقعی از اثر بالاتری برخوردار است.

با مقایسه سه الگوی فوق این امر مشهود است که شیوه بیان به کوتاه‌ترین شکل ممکن در شکل‌دهی اغلب جوک‌های زبان فارسی ظاهر می‌شود که می‌تواند از میزان اثربخشی جوک‌های کوتاه‌تر نسبت به جوک‌هایی با شیوه بیان AAB، AAAB، و AAAAB حکایت کند. افزون بر این در هر سه نوع الگوهای غالب در ساخت جوک‌های فارسی سازوکار منطقی استدلال که تا حدی از پیچیدگی‌های ادراکی بیشتری برخوردار است بی اثر است و به‌جای آن در هر سه الگو سازوکار منطقی از نوع روابط هم‌نشینی با سهولت درک بیشتر بوده است.

به منظور دستیابی به الگوی برتر بر اساس میزان خنده‌داری داده‌های پژوهش حاضر به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه مورد محک واقع شد. در این پژوهش یک فرم اینترنتی برای تعیین میزان خنده‌داری ۳۰ جوک ساخته شد. از هر الگوی رایج، ۱۰ جوک انتخاب شد و در هر الگو، سعی شد انواع مختلف جوک انتخاب شود. بنابراین در هر الگو از هر نوع جوک (ختنی، مذهبی، سیاسی، قومیتی و جنسیتی) ۲ جوک انتخاب شد و از شرکت‌کنندگان خواسته شد به میزان خنده‌داری

1. Missing value
2. nominal
3. interval
4. homogeneity
5. One-way ANOVA

می‌کنیم. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که میزان خنده‌داری سه الگوی رایج طنز فارسی به شکل معناداری با هم تفاوت دارند:

$$X^2(2) = 16.900, p < 0.001$$

میانگین درجهٔ میزان خنده‌داری الگوی اول، ۱۵۷٫۷۳، الگوی دوم ۲۱۳٫۴۶ و الگوی سوم ۱۹۲٫۸۱ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که به شکل معناداری الگوی دوم بیش از الگوی سوم و الگوی سوم بیش از الگوی اول خنده‌دار است.

توزیع نرمال^۱ متغیر وابسته (میزان خنده‌داری) با آزمون شاپیرو-ویلک^۲ نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها در این بخش نرمال نیست. نتایج این آزمون با توجه به کمتر بودن سطح معنی‌داری از ۰٫۰۵، در هر سه الگو، به معنی نرمال نبودن توزیع داده‌هاست:

$$W_1(125) = .937, p < .001$$

$$W_2(125) = .960, p < .05$$

$$W_3(125) = .969, p < .05$$

به همین دلیل برای بررسی ارتباط بین الگو و میزان خنده‌داری از آزمون ناپارامتری کراسکال-والیس استفاده

منابع

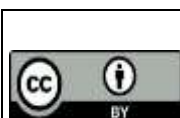
بر پایهٔ نظریهٔ عمومی طنز کلامی و رویکرد اجتماعی - شناختی ون دایک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.
کرامتی‌یزدی، سریرا (۱۳۸۸)، توصیف و بررسی طنز در مطبوعات زبان فارسی از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۸۸ بر اساس رویکردهای کاربرشناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.
مدرس خیابانی، شهرام، محرابی، حجت (۱۳۹۱)، بررسی عوامل زبانی مؤثر در شکل‌گیری طنز کلامی، مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران، ص ۷۱۲-۷۲۳.

با، علی (۱۳۹۵)، مقایسه نظریه‌های طنز زبان‌شناسی در طنز مطبوعاتی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

تربتی، سروناز، مهدوی، مهران (۱۳۹۷)، تحلیل گفتمان انتقادی جوک در خصوص توافق هسته‌ای؛ بازنمایی توافق هسته‌ای در جوک فارسی، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال چهارم، شماره ۱۵، ص ۱۱۱-۱۴۶.
زمانیان، ناصر (۱۳۸۶)، نقش ابهام در لطیفه‌های زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
شریعت‌پناه، شاداب (۱۳۹۲)، تحلیل گفتمان و غ و غ ساهاب

Attardo, S. (2001). *Humorous texts: A semantic and pragmatic analysis*. Berlin, Germany: Mouton de Gruyter.
Attardo, S. (2005). Review of Phillip Glenn, laughter in interaction. 2003. Cambridge: Cambridge University Press. *Humor: International Journal of Humor Research*, 18(4), 422-429.
Attardo, S. (2008). A primer for the linguistics of humor. In V. Raskin (Ed.), *The Primer of Humor Research* (pp.101-156). Berlin, Germany: Mouton de Gruyter.

Attardo, S. & Raskin, V. (1991). Script theory revis(it)ed: Joke similarity and joke representation model. *Humor: International Journal of Humor Research*, 4(3/4), 293-347.
Brône, G., Feyaerts, K., & Veale, T. (2006). Introduction: Cognitive linguistic approaches to humor. *Humor: International Journal of Humor Research*, 19(3), 203-228.
Raskin, V. (1985). *Semantic mechanisms of humor*. Dordrecht-Boston-Lancaster: D. Reidel.



COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)